

تصرف ایتبیه و اماکن عمومی توسط ارتش بیگانه از لابلای اسنادی که در آرشیو مجلس شورای اسلامی موجود است، به اسنادی برمی‌خوریم که نشان می‌دهد عمدتاً قوای روس و انگلیس در شمال کشور، اماکن و ایتبیه‌هایی را تصرف کرده و سال‌های طولانی شاید برخی از این ایتبیه‌ها در اختیار آنها بوده اما متأسفانه برخلاف عرف که مال الاجاره پرداخت کنند و حتی خسارت مالک آن املاک را جبران نمایند، این املاک علاوه بر اینکه تخریب شده، در برخی موارد اقدام به آتش زدن آنها کرده‌اند. تصرف خانه‌ها و منازل مردم علاوه بسر مغازه‌ها و دکاکین آنها، از دیگر اعمال‌اشغالگرانه متفقین در هنگام اشغال ایران بود. خانه‌های بسیاری از مردم طی جنگ جهانی دوم به اشغال سربازان

براثر فقر مردند و همه روزه در خیابان‌های شهرها، شاهدان و رهگذران، عده‌ای را می‌دیدند که از بیماری جان می‌دهند و این وضع تا پایان جنگ در ایران ادامه داشت. مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین علی دوانی، محقق و از شاهدان عینی جنگ دوم جهانی در این باره می‌گوید: «..ما در آن سن و سال کم می‌دیدیم که مملکت‌مان به دست بیگانه افتاده، شب‌ها که می‌رفتیم و می‌دیدیم کامیون‌های میوه را می‌برند برای سربازان انگلیسی و هندی، درون‌مان آتش می‌گرفت. ظرف دو سه روز قحطی شد. به طوری که برای گرفتن آب لوله کشی جان مردم به خطر می‌افتاد. در آن موقع، آب لوله کشی در شهر نبود و در منطقه شرکت نفت، در هر چهارراه یا سه راهی، لوله بزرگ آب قرار داده بودند و مردها و زن‌ها همه می‌آمدند و از آنجا آب می‌بردند. بر سر گرفتن آب و خرید نان، هنگامه می‌شد. خیلی‌ها کشته می‌شدند، خیلی‌ها زخمی می‌شدند. مرد و زن لت و پار می‌شدند تا آب یا نان بگیرند…»^{۸۳} سومین قحطی بزرگ، قحطی سال‌های جنگ جهانی دوم است که ویرایش دوم کتاب قحطی بزرگ دکتر محمد قلی مجد محقق و پژوهشگر و استاد دانشگاه پنیسولوانیا با تکیه براسناد و به طور مفصل بدان پرداخته است. دکتر مجد تلفات قحطی جنگ جهانی دوم در ایران را حدود چهار میلیون نفر برآورد می‌کند. فریبا فرزام ، کارشناس مرکز اسناد ملی ایران به تنگنای شرایط و محدودیت‌های ازنق عمومی در روزگار جنگ می‌پردازد: «..در شرایطی که مردم ما در جنگ و قحطی به سر می‌بردند مشکلات تامین مایحتاج عمومی برای ملت ایران به شدت وجود داشت، بایستی مایحتاج نظامی‌های خارجی که کشور را اشغال کرده بودند و حتی ارسال کالا به روسیه تامین می‌گردید…»^{۸۴}

✱ نیروهای متفقین ملزم شده بودند که خوراک و آذوقه ارتش خودشان را از کشورهای خود تهیه بکنند و هیچ فشاری را به دیگر کشورها مثل ایران تحمیل نکنند. اما این مسئله محقق نشد و آنها از آذوقه و مواد غذایی که در ایران بود، استفاده کردند.

وقتی قوای روس و انگلیس و آمریکا وارد خاک ایران شلشدند، در تهران و سایر شهرهای ایران برای خود، محل استقرار بوجود آوردند. بسیاری از ادارات و سرباز‌خانه‌ها و بیمارستان‌ها در اختیار آنها قرار گرفت و غذا و خوراک خود را از شهرهای مختلف ایران تأمین کردند. در واقع قوت و غذای مردم ایران برای تغذیه آنها اختصاص یافت. از همین روی دو ماه بیشتر طول تکشید که ایران دچار کمبود مواد غذایی شد. گرانی سرسام آور، سراسر مملکت را در بر گرفت به طوری که در سال‌های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ عده زیادی از مردم

گزارش‌های دیگر از سوء رفتار روس‌ها معاصران، ارتش‌های خارجی اشغالگر ایران را درباره قحطی بسیار مقصر می‌شمارند. کفری در گزارشی با تاریخ ۱۷ اکتبر ۱۹۱۶، اوضاع وخیم کمبود ارزاق و گندم را به گردن روس‌ها و ترک‌ها می‌اندازد: در سال‌های عادی دولت درصد بزرگی از مالیات‌ها را از گندم دریافت می‌کند، اما اسمال مالیات بسیار اندکی گرد آمده است؛ و نیز، مناطق اصلی تأمین‌کننده غله، یعنی نواحی همدان، سلطان‌آباد و کرمانشاه در اشغال عثمانی است و از این رو به هیچ وجه امکان دریافت گندم یا جو از آن مناطق وجود ندارد. او همچنین می‌افزاید:

ارتش‌های روسیه و عثمانی مقدار قابل توجهی غله را ذخیره کرده‌اند و این خود دلیل دیگری برای بروز کمبود در بازار غله شده است.

طبیعت نیز سهیم خود را داشته است: «علاوه بر این دلایل، بخش بزرگی از گندمی که در همسایگی تهران به دست می‌آید با جمله آفت خسارت دیده و محصول بسیار اندک بوده است.» در نتیجه: «ماحصل همه این‌ها نان اندک و قیمت‌های سرسام‌آور بوده است.» نمونه‌ای از غارت عثمانی‌ها و روس‌ها، تاراج پیایی شهر دولت‌آباد به دست این دو ارتش است. کشیش جرج اف. زوکلر اعمال ارتش عثمانی را پس از اشغال دوباره دولت‌آباد در فوریه ۱۹۱۷ چنین شرح می‌دهد:

علیرغم این واقعیت که به هر حال انضباط عثمانی‌ها عالی بود، آنها برای خلاصی مردم از مصیبت هیچ کاری نکردند. از همان ابتدا، احتکار و ذخیره غله‌ای را که دستشان به آن می‌رسید آغاز کردند و آنها را از اینجا بردند. بخش بزرگی از این کار به نام «کمک» برای رسیدن به هدف، به مردم تحمیل می‌شد، در جاهایی که گفته می‌شد مردم گرایش‌های ضد عثمانی داشتند، هرچه لازم بود تصرف می‌شد. در انبارهای مزارع را می‌خشکستند و بدون کمترین توجهی به نظر مالک آنها را تخلیه می‌کردند. با انبارهای کاه و علفه نیز به همین شکل برخورد می‌شد. در روستاها لباس‌ها و جوراب‌های پشمی را مصادره می‌کردند. پول بی‌ارزش عثمانی‌ها به نرخ ششاور در گردش بود و هنگام فروش مجدد به کمتر از نصف بهای اولیه خریده می‌شد تا فشار مضاعفی بر دوش مردم باشد. از تمام بارهایی که از نطفه‌ای به نقطه دیگر می‌رفت مالیات‌های سنگین اخذ می‌شد. سراسر کشور به شدت خالی شده بود و اگر آنها اندکی دیگر می‌ماندند، مصیبتی هولناک این منطقه را دربر می‌گرفت.

زوکلر پس از خروج ترک‌ها، از غارت بازار به دست روس‌ها هم گزارش می‌دهد. روس‌ها در مازندران و گیلان نیز خرابی به بار آوردند. عین‌السلطنه می‌نویسد از هر نقطه‌ای که توانستند غله و برنج جمع‌آوری کردند و به روسیه حمل نمودند. دیگر این که در آمل آتش‌سوزی مهیبی روی داد که خانه و کاشانه مردم را ویران ساخت، ده هزار تن بی‌خانمان بیرون شهر گرسنه و عریان جمع شده و منتظر کمک دولت مرکزی بودند. دویست هزار کیسه برنج و مقدار معتنابهی مال‌التجاره و اثاث‌البیت آنها طعمه آتش گردید. او می‌افزاید انگلیسی‌ها وعده دادند به نیروهای نظامی خود دستور داده‌اند در این شرایط غلات ایران را جمع‌آوری و احتکار نکنند، و همچنین قول دادند در رف بحران به دولت ایران کمک کنند. در تابستان ۱۹۱۷ کالدول سفری به شمال ایران دارد و در قزوین، رشت و انزلی توقف می‌کند. تلگرافی که از کالدول در ۶ اوت ۱۹۱۷ دریافت شده چنین است: قشون روس در ایران بازارها و دکان‌های همدان، قزوین، ارومیه و دیگر شهرهای ایران را غارت و چپاول کرده‌اند. در برخی موارد بازارها را آتش زده‌اند. دولت ایران بار دیگر خروج نیروهای روسیه را از ایران طلب کرده است. او در گزارشی در همان تاریخ جزئیات دیگری نیز ذکر می‌کند:

پاورقی
Research@kayhan.ir

برای مردم بوجود آورد، باعث بروز قحطی‌هایی در مناطق مختلف کشور به ویژه غرب کشور شد که هنوز آمار و ارقام مشخصی از قتل و تلفات نفوس مردم در این قحطی‌ها وجود ندارد. همانطور که‌ماشاره شد، ارقام بیش از ۵ یا ۶ میلیون نفر را نشان می‌دهد که عمده این مرگ و میرها ناشی از صدمات معیشتی است. نسرین نگاهبان، کارشناس اسناد تاریخی درباره تأمین آذوقه متفقین از ذخائر و انبارهای مردم ایران می‌گوید:

«.. براساس بند هفتم قرارداد اتحاد سه گانه، نیروهای متفقین ملزم شده بودند که در واقع خوراک و آذوقه ارتش خودشان را از کشورهای خود تهیه بکنند و هیچ فشاری را به دیگر کشورها مثل ایران تحمیل نکنند. اما این مسئله محقق نشد و آنها از آذوقه و مواد غذایی که در ایران بود، استفاده کردند…»^{۸۵}

البته روشن به نظر می‌رسید که تأمین غذای ارتش یکصد هزار عزیزالله کمال جانشین سپهد کیمیا و سرلشکر پاکروان نیز جانشین تیمور بختیار گردید. پس از گذشت مدتی از این عزل و نصب‌ها، به «کلیه ساواک‌ها» دستور داده شد: «چنانچه در حوزه استحفاظی آن ساواک تشکیلاتی از سازمان سری کوک موجود است، دستور فرمایند اطلاعات مشروحه زیر را به نحو کاملاً غیرمحموس در مورد آن سازمان تهیه و حداکثر تا نازدهم آذرماه به این اداره کل اعلام نماید.

نفری اشغالگران و نیز یکصد هزار آواره لهستانی که از زندان‌های روسیه آزاد شده و به ایران کوچ داده شده بودند، از طریق واردات مواد غذایی غیر ممکن بود. چرا که مضاف بر مشکلات حمل‌ونقل و فقدان تعداد کافی کشتی‌های باری برای حمل خوار و بار مورد نیاز از اقصی نقاط دنیا به خاک ایران، مسئله اساسی همانا عدم دسترسی متفقین به مواد غذایی کافی برای صدور به ایران بود. از همین روی تأمین غذای ارتش‌های اشغالگر و همچنین مهاجران لهستانی برگردن ملت فقیر و تحت‌اشغال ایران افتاد که خود با مشکلات بسیار و کمبود غذا دست و پنجه نرم می‌کرد. ارتش‌های‌اشغالگر در ایران کلیات را به سرعت و با زور سرنیزه و بعضا با پرداخت حداقل بهای ممکن، تصاحب می‌کردند.^{۸۶}

گزارش رئیس‌اداره بندر انزلی (بندر پهلوی سابق) در تاریخ ۱۳۲۱/۵/۲۱ درباره غارت غلات ایران توسط اشغالگران و مهاجرین می‌نویسد:

«.. از اوایل سال جاری به واسطه ورود مهاجرین لهستانی و وجود نیروی بیگانه در بندر پهلوی اوضاع خوار و بار به طور تصاعدی ترقی کرده، مخصوصاً برنج که قوت اهالی است، از چند روز پیش روز به روز مشکل و میزان بهای آن از خوراری ۲۰ من شاه ۴۰۰ ریال، به ۸۰۰ ریال ترقی کرده و از همه سخت تر، در این ایام میزان عرضه آن بر میزان تقاضا رو به نقصان گذاشته، به طوری که فعلا با بهای خوراری ۲۰ من شاه ۸۰۰ ریال هم به دست نمی‌آید… اخیراً به مناسبت ورود مهاجرین لهستان که از تاریخ ۱۳۲۱/۵/۲۰ اولین کشتی آنان وارد گردید، به قیمت کلیه مایحتاج زندگانی خوراک و بار به مراتب افزوده شده و دکاکین علاف‌ها که تا چند روز پیش مملو از برنج‌های مختلفه بود، به کلی خالی و معلوم نیست ناگهان فروخته و یا احتکار کرده‌اند…»^{۸۸}

آذربایجان و دیگر نقاط کشور را غارت و مصادره کرده‌اند، باعث شده است تولیدکنندگان خرده‌پا محصول غله آخرین فصل برداشت را انبار کرده و بدین ترتیب قیمت‌ها سرسام‌آور شوند. پدوک در گزارش ۹ ژانویه ۱۹۱۸ بر نقش روس‌ها نیز در این ترازوی تأکید می‌کند: مصادره گندم و جو و مصرف آن از سوی نیروهای نظامی روس نیز به خاطر کم شدن عرضه، تأثیر به سزایی بر قیمت‌ها داشته است. و این گونه که دکتر شد از ارومیه خبر داده است، اقدامات نظامی، ملاکان را هراسان کرده و آنها نیز غله‌های خود را مخفی کرده‌اند. اخیراً نظامیان آروس ا یا را از حد فراتر گذارده و بیشتر انبارهای غله، حتی انبارهای دولتی را در ناحیه مراغه به سمت جنوب و منطقه مهم غله‌خیز هشتری تا جنوب غربی تبریز مهر و موم کرده‌اند. همه بر این باورند که این کار اقدامی اولیه برای انتقال بخش عمده گندم مورد نیاز این کشور فلاکت‌زده به روسیه بوده است. زیرا این مقدار بیشتر از نیاز قشون روس



تصویری از نیکلای بارثاف فرمانده نیروهای روس نزاری در حمله به کرمانشاه اول

در گزارش‌های یک‌طرفه افسران آمریکایی و انگلیسی مشاهده می‌شود:

صفحه ۶

شنبه ۱۹ آبان ۱۳۹۷

۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۰ - شماره ۴۵-۲۲

حاجعلی کیا و سازمان کوک به روایت اسناد ساواک – ۴۳

یک رقابت دو سر باخت

و این درحالی بود که سازمان کوک، به دلیل اقدامات سپهبد کیا و دخالت‌های فراوانی که در امور مختلف کشوری و لشکری داشت، در نزد بسیاری از مطلعین مشهور شده بود:

«طرفداران سپهبد بازنشسته حاجعلی کیا برای ارباب قضات دادگستری شهرت داده‌اند که نامبرده کاندیدای نخست‌وزیری است و شبکه‌ای که به نام (کوک) در وزارت‌خانه‌ها و موسسات دولتی تشکیل داده، طبق نقشه و نظر مقام سلطنت بوده و نامبرده و اعضاء کوک با شخص خود شاهنشاه مربوط می‌باشند و انتشار این شایعات موجب شده که اکثر قضات دادگستری، مخصوصاً طبقه جوان آن، دربار را حلی و پشتیبان افرادی نظیر تیمسار سپهبد کیا دانسته و با نظر بدبینی و انتقاد نسبت به دستور کار ساواک قرار داشت.

و پس از گذشت حدود یک سال از ماجرای دستگیری و عزل سپهبد کیا از ریاست اداره دوم ارتش و سازمان کوک، در فروردین ماه سال ۱۳۲۲ش گفته شد: «سرهنگ ابراهیم خسروی

✱ نفوذ در سازمان کوک به منظور بهره‌گیری از «کلیه اخباری که جمع‌آوری می‌نمایند» در بخشنامه‌ای سراسری در دستور کار ساواک قرار داشت.

افسر بازنشسته ارتش، که بعد از سرلشکر همایونی مسئول و گرداننده سازمان کوک می‌باشد، به اعضای مؤثر و مورد اعتماد آن سازمان به‌طور خصوصی تذکر می‌دهد که مدتی است تیمسار سپهبد کیا هیچگونه سمت مدیریت و رهبری در سازمان مذکور ندارد و توصیه دستورات ایشان به هیچوجه برای اعضاء قابل اجرا نیست و به جای نامبرده، به فرمان شاهنشاه، سرلشکر همایونی مسئول سازمان و رابط بین شاهنشاه و سازمان و سرهنگ خسروی که هر دو از نزدیکان سپهبد کیا بودند، واگذار خواهد بود.»

کمبود غله شده است. روس‌ها باعث ویرانی فراوان در همدان و حوالی آن شدند. عین‌السلطنه در اوایل بهار ۱۹۱۸ می‌نویسد: بدتر از همه درویشدگی همدانی با برادرش، پسرش، زن و بچه اینجا [الموت] آمده‌اند. لوت، عبریان… این آدم کاسب بود همه ساله متاع می‌آورد، بعد پوست خریداری می‌کرد. حالیه این قسم شده. می‌گویند روس‌ها تمام مال ما و اهل آبادی ما را بردند. فرانسسیس وایت نیز در گزارش خود درباره قحطی در غرب ایران تقصیر را متوجه روس‌ها می‌داند: به نظر می‌رسد که مشکلی نیست مگر رفتار روس‌ها در تمام مناطق تحت اشغالشان در ایران که به سرزنش‌شدنی‌ترین شکل رفتار کرده‌اند. تمام روستاهای میان قمرشیرین و قزوین دچار سرنوشت شومی شده‌اند که آنها هر چه به دستشان رسیده غارت و چپاول کرده‌اند. سربازان روس به جای آن که بروند در زمین‌ها و تپه‌های اطراف روستاها به دنبال هیزم بگردند، تیرک‌ها، حصارها

✱ دورقیق دیربناهای که همه‌راه‌بام سازمان کوک را سازماندهی کرده و اینک به رقیب یکدیگر تبدیل شده بودند، هر دو از کار برکنار گردیدند. سپهبد عزیزالله کمال جانشین سپهبد کیا و سرلشکر پاکروان نیز جانشین تیمور بختیار گردید.

گردید، تصمیم گرفته شد «سه جلد پرونده‌های کوک و سازمان نیروی مقاومت ملی» برای اقدامات بعدی (تحویل بخش ۳۱۴»اداره کل سوم ساواک داده شود. و از آن پس، جلساتی برای تبادل اطلاعات و بررسی مسائل اطلاعاتی در روزهای دوشنبه «با شرکت سرلشکر همایونی و سرتیپ حاتمیان و نمایندگان شهرتانی،ژاندرمیری، سازمان امنیت و اداره دوم در سازمان کوک» تشکیل گردید. و این‌در درحالی بود که نفوذ در سازمان کوک به منظور بهره‌گیری از «کلیه اخباری که جمع‌آوری می‌نمایند» در بخشنامه‌ای سراسری نیز در دستور کار ساواک قرار داشت.

و پس از اعلام انحلال سازمان کوک در مرداد ماه سال ۱۳۲۵ش توسط محمدرضا پهلوی، «شخصات افراد وابسته به سازمان کوک» در اختیار ساواک قرار داده شد تا «پس از بررسی، در صورتی که در اهداف ساواک مفید بودند، به عنوان همکار افتخاری از وجود آنان استفاده شود.»

از «رجاع مسائل حساس در وزارتخانه‌ها به اعضای سازمان کوک» پیشگامی نماید۲۳ و به همین دلیل در کمیسیونی که به منظور «بررسی و نحوه آموزش گروه‌های ضربت سازمان نیروی مقاومت ملی» در رکن سوم نیروی زمینی ارتش تشکیل شد، تیمسار آیرملو که معاون داخلی ساواک بود، ضمن پرداختن به موضوع «قت در تعیین صلاحیت افراد شرکت‌کننده در این سازمان»، در مورد «توجه کامل در مورد تعیین کادر رهبری سازمان» و «مبادله اطلاعاتی بین ساواک و سازمان» سخن گفت و پس از اینکه گزارش این کمیسیون برای سلسله‌مراتب اداری ارسال

شده است تولیدکنندگان خرده‌پا محصول غله آخرین فصل برداشت را انبار کرده و بدین ترتیب قیمت‌ها سرسام‌آور شوند. پدوک در گزارش ۹ ژانویه ۱۹۱۸ بر نقش روس‌ها نیز در این ترازوی تأکید می‌کند: مصادره گندم و جو و مصرف آن از سوی نیروهای نظامی روس نیز به خاطر کم شدن عرضه، تأثیر به سزایی بر قیمت‌ها داشته است. و این گونه که دکتر شد از ارومیه خبر داده است، اقدامات نظامی، ملاکان را هراسان کرده و آنها نیز غله‌های خود را مخفی کرده‌اند. اخیراً نظامیان آروس ا یا را از حد فراتر گذارده و بیشتر انبارهای غله، حتی انبارهای دولتی را در ناحیه مراغه به سمت جنوب و منطقه مهم غله‌خیز هشتری تا جنوب غربی تبریز مهر و موم کرده‌اند. همه بر این باورند که این کار اقدامی اولیه برای انتقال بخش عمده گندم مورد نیاز این کشور فلاکت‌زده به روسیه بوده است. زیرا این مقدار بیشتر از نیاز قشون روس

در هر یک از این شهرها تعداد زیادی از نیروهای روس دیده می‌شوند اما به نظر می‌رسد که میان آنها بی‌نظمی حاکم است. هیچ سربازی به هیچ افسری سلام نمی‌دهد و به طور کلی تمرد برقرار است. او از یک تمرد گزارش می‌کند: اخیراً هزار سرباز را از باکو برای خدمت در جبهه عثمانی‌ها، میان کرمانشاه و بغداد، اعزام کرده‌اند. آنها هنگامی که به رشت می‌رسند و درمی‌یابند که قرار است به کجا فرستاده شوند، از ادامه مسیر سر باز می‌زنند. این تنها یکی از موارد متعدد و مشابه است. او از غارتگری سربازان روس خبر می‌دهد: در این رابطه من باید شما را به تلگرام قبلی‌ام ارجاع دهم و بیفزایم که ارزش اموالی که در جریان غارت بازارها در شهرهای مختلف ایران به دست سربازان روس به سرقت رفته، سوخته و یا تخریب شده‌اند، میلیون‌ها دلار است. کالدول گزارشی از آذربایجان با تاریخ جمعه ۶ ژوئیه ۱۹۱۷ را به قلم کنسول پدوک در ادامه می‌آورد که در آن آمده است: «سربازان روس بازار شهر ارومیه را غارت کرده و به آتش کشیده‌اند.» پدوک می‌افزاید که «اوضاع در شهر «کاملا» آشفته است» و در پایان می‌نویسد: شنیدم نیروهای قزاق از جبهه به اینجا- ساواجلاغ - فرستاده

پنج روز است از قوس می‌گذرد یک قطره باران نیامده است خداوند رحم کند، قشون روس بی‌سر و ته بی‌نظام او ا دستپاییلین الان به قدر پنجاه هزار نفر در کردستان، همدان، کرمانشاه، گروس، زنجان، قزوین حاضر هستند! ده هزار هم می‌گویند رشت می‌آیند با این گرانی و قحطی آنها هم مهمان ناخوانده برای ما شده‌اند. خیلی هم بی‌نظم و نظام ابتدا به حرف رئیس و صاحب‌منصب نیستند و خود را آزاد می‌داند. کالدول در گزارشی با تاریخ ۱۵ ژانویه ۱۹۱۸ با عنوان «وضع قحطی» می‌نویسد: همان طور که در گزیده نامه‌های پیوست مشهود است، رنج و بدبختی بسیار سراسر کشور را فرا گرفته است. حضور نیروهای بی‌قانون روسیه که به اراده خود تمام غله و ارزاق کرمانشاه، همدان، سلطان‌آباد، رشت، قزوین، مشهد، شهرها و روستاهای

✱ **فرانسسیس وایت نیز در گزارش خود درباره قحطی در غرب ایران تقصیر را متوجه روس‌ها می‌داند: به نظر می‌رسد که مشکلی نیست مگر رفتار روس‌ها در تمام مناطق تحت اشغالشان در ایران که به سرزنش‌شدنی‌ترین شکل رفتار کرده‌اند.**

دیگر خوب‌ساخته‌های خانه‌ها را از جا درآورده و می‌سوزانند. از این رو در طول جاده، روستاهای ویران و در بسیاری موارد بی‌کسکه دیده می‌شوند که گویی بلایی بر آنها نازل شده است. هر چه مردم داشته‌اند از آنها بروده شده و خشک‌سالی سال گذشته نیز بر وخامت اوضاع افزوده و باعث شده است مردم در قحطی و گرسنگی قرار بگیرند. سائرد هم درباره اشغال ایران به دست روس‌ها نظر مشابهی دارد:

به نظر می‌رسد در میان تمام نیروهای مهاجم، روس‌ها بیشترین لطمه را به ایرانیان وارد کرده‌اند. در طول مسیر بغداد- خزر همچنان می‌توان روستاهای متروک و خانه‌های ویرانی را دید که در اثر اشغال روس‌ها به ایسن روز افتاده‌اند. هیزم بسیار اندکی در این کشور وجود دارد و گفته می‌شود که نیروهای روس چوب سقف، پنجره یا چارچوب درهای خانه‌ها و هر بخش چوبی دیگری را که در کلبه‌های دهقانی ایرانی به کار رفته است، به جای هیزم برده می‌دارند. با این کار، به طور طبیعی این خانه‌ها خالی از سکنه شده و در اثر برخی از این خرابی‌ها که در زمستان رخ داده است، دهقانان بی‌سرنه‌اشدند و بسیاری نیز مرده‌اند. همچنین گفته می‌شود که روس‌ها آنچه که از غذا یافت می‌شد برده‌اند و حیوانات م‌سرد را که برای امرار معاش نگهداری می‌شده‌اند، کشته‌اند و تمام اندک ذخیره بذر غله در زمین‌های خود را نیز بردند. در این ترتیب به طور کلی تا حد زیادی مسئول قحطی شدید در آن بخش از ایران در زمستان گذشته هستند. به نظر می‌رسد که روس‌ها در ایران بسیار بد رفتار کرده‌اند و برخورد آنها با امکانات و بیمارستان خیریه آمریکایی‌ها در همدان در گزارش شماره هفتم من با تاریخ ۴ سپتامبر ۱۹۱۸ آمده است.